

جشنواره فرهنگی و هنری ۳۱۳

ویژه میان پرده های نمایشی کوتاه و سرود

نمایش جنگ روانی

پرده اول

راوی: سلام عزیزان ، خسته نباشید ، باید اذعان کنم که در عصر جدید و مدرن امروزی اکثر کشور های یاغی و زورمند جهان با مکر و حيله و جنگ روانی طرف مقابل خود را شکست داده و دیگر از زور و سلاح برای برتری استفاده نمی کنند و سلاح و مهمات نقش تزئینی پیدا کرده است. اما برویم ببینیم که آیا در صدر اسلام نیز از جنگ روانی بهره برده شده است یا نه.

پرده اول - صحنه

چند نفر با اضطراب وارد صحنه می شوند لباس عربی دارند و شمشیر و چاقوی بلندی به شکل خنجر همراه دارند... اعرابی که اول وارد می شود به سایرین می گوید:

اعرابی اول : پیراهن خلیفه را برداشتی؟

اعرابی دوم: نه مگر قرار بود پیراهن عثمان را برداریم...

اعرابی اول: آری آری مگر نشیدی امیر المومنین معاویه گفته که پس از قتل عثمان پیراهن او را خونین کرده و با خود بیاورید.

اعرابی سوم: من می روم و پیراهن خونین خلیفه را می آورم

اعرابی اول: زودتر یاالله زودتر... تا کسی نیامده...

اعرابی سوم از صحنه خارج می شود

اعرابی اول خطاب به دومی: باید هر طور شده آن پیراهن را با خود ببریم

اعرابی دوم: آخر معاویه پیراهن خون آلود را از چه می خواهد...

اعرابی اول: نمی دانم ولی اطمینان دارم نقشه ای در سر دارد

اعرابی سوم وارد می شود: آوردم... خوب است حسابی خونین مالش کردم

اعرابی اول: خوب برویم... تا کسی نیامده

آن سه نفر خارج می شوند

پرده دوم

راوی: در حالیکه معاویه به تخت نشسته و ۲ نفر اعرابی با پیراهن خون آلود

ایستاده اند شروع به صحبت می کند می گوید: بله با نقشه و توطئه معاویه

خلیفه سوم جناب عثمان توسط اجیر شدگان معاویه به قتل رسید و معاویه با نصب پیراهن خونین خلیفه بر سر نیزه در میدان شهر نقشه ها در سر دارد.

پرده سوم

معاویه : خنده مستانه ... خیلی خوب آفرین ... پاداش شما بسیار بزرگ خواهد بود
اعرابی اول : قربانت گردم این خدمت کوچکی بود برای امیر المومنین معاویه که
حق پدری بر ما دارد...

اعرابی دوم : ای امیر با پاداش و بی پاداش ما خدمتگزار شما هستیم.
معاویه : بس است دیگر ... اینقدر حرف نزنید... زودتر پیراهن خلیفه را بر سر نیزه
کرده و مردم را جمع کنید

اعرابی اول: آی مردم ... آری مردم خلیفه پیامبرتان را کشتند ... مسلمانان چه
نشسته آید خلیفه پیامبر را کشتند

راوی: مردم در حالیکه بشدت می گریستند به دور معاویه و یارانش جمع شدند و
مجلس بزرگی تشکیل شد و صدای شیون و زاری شهر را پر کرد

معاویه : ای جماعت عده ای از خدا بی خبر

خلیفه پیامبر شما را کشتند ... صدای گریه مردم...

قتل مظلومانه جناب عثمان بدست کسانی صورت گرفته که با آئین محمدی (ص) مخالف بودند - صدای گریه مردم - وارث با کفایت و مظلوم پیامبر را بی شرمانه در روز روشن کشتند - صدای شیون و زاری - امروز روز عزاست امروز روز بلاست بر سر بنزید ، بر صورت بنزید و رسول ا... بگویید و ابدا بگویید. خدای من مردم اعرابی سوم: یا امیر به ما بگویید که چه کسی خلیفه پیامبر ما را کشته... بگویید تا مادر او را به عزایش بنشانیم - همه مردم آری بگویید

راوی: و معاویه قتل جناب عثمان را که به دستور خودش صورت گرفته بود را به علی ابن ابیطالب (ع) نسبت داد و مردم را علیه حضرت علی (ع) بسیج کرد....

این حوادث در تاریخ بارها تکرار شده و در فتنه ۸۸ نیز توسط فتنه گران بارها اتفاق افتاد...